

## کشودگی مستمر متن قرآن برای «تجلی‌های شگفت متناسب و موزون» (عددی، هندسی، موسیقایی و ...)

زهرا اخوان صراف\*

DOI: 10.22096/RC.2023.2000762.1110

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳]

### چکیده

شگفتی‌های مربوط به تناسب‌های عددی، توازن‌های لفظی و معنوی یا نظم قرآن، لحن و ریتم موسیقایی در الفاظ و فواصل آیات، الگوهای آهنگین و متناظر با اوزان شعری، تقارن هندسی الفاظ و معانی پاره‌های قرآن در تلاوت و کتابت، همواره به‌منزله و جوهی از اعجاز و شگفتی بیانی مطرح بوده است؛ اما به دلیل افراط‌های تکلف‌آمیز از یک‌سو و خوف قرآن‌باوران از اینکه در این باب از عهده تثبیت اعجاز و تحدی و یگانگی قرآن برنیایند از سوی دیگر، و بی‌توجهی به نقش شگرف درک این جلوه‌ها در نیل به غایات قرآن برای باورمندان و انحصار آن به اسکات مخالفان از سوی سوم، مطالعه و تأمل در این زمینه به محقق رفته است. پژوهش حاضر با گشودن چشم‌اندازی به جلوه‌گری‌های شگفت هندسی، موسیقایی و نظم ریتمیک و شعری و تقارن‌هایی که حین کتابت آیات جلوه‌گر شده‌اند، فرضیه‌ای طرح می‌کند که فوق‌العادگی ریاضی قرآن را از اعداد و نظریه‌های مربوط به آنها به شاخه‌های دیگر ریاضیات و عرصه توازن و تناسب، از جمله هندسه و تقارن‌ها توسعه می‌دهد و با نگاهی به مطالعات مدرن قرآن‌پژوهان معاصر و مروری بر ادعاهای مربوط به ارقام و امار الفاظ و نقد افراط‌وتقریپ‌ها در آن، این ایده را بسط می‌دهد که متن آیات وحی به مدد روحی الهی، مستمراً می‌تواند بستری برای تجلیات مناسب با استعدادها و معارف مخاطبان قرآن باشد.

**واژگان کلیدی:** اعجاز عددی؛ تقارن هندسی آیات؛ ظهور شگفتی‌های قرآن؛ فوق‌العادگی قرآن؛ شگفتی موسیقایی قرآن.





اعجاز ریاضی از شاخه‌های اعجاز بیانی است. نگارش درباره اعجاز بیانی از سده‌های نخستین اسلام رواج داشته است؛ رمانی (م ۳۸۶)، خطابی (م ۳۸۸)، زمخسری (م ۵۳۸) و سیوطی (م ۹۱۰)، در آثار خود، اعجاز قرآن را در تناسب و هماهنگی و تلاؤم الفاظ، زیبایی لفظی، حسن نظم و درآمیختگی معانی عالیله دانسته‌اند و از تحدی قرآن در کلام و بیان و ناتوانی ادبا و بلیغان آن زمان در آوردن مثل قرآن سخن گفته‌اند.<sup>۵</sup> از معاصران عایشه بنت الشاطی در «الإعجاز الیسانی للقرآن» پس از بیان اعجاز و تحدی، مواردی را در فهم اعجاز بیانی ذکر کرده است. با پیشرفت محاسبات رایانه‌ای، شمارش الفاظ و حروف و ربط و تناسب‌های مربوط به آنها در حوزه اعجاز پژوهی بالا گرفت و آثار متعددی پدید آمد از جمله: *معجزة القرآن الکریم* اثر رشاد خلیفه (۱۹۳۵-۱۹۹۰ م) قرآن‌شناس مصری تبار آمریکایی، *الاعجاز العددی للقرآن الکریم* نوشته عبدالرزاق نوفل (۱۹۱۷-۱۹۸۴ م)، قرآن‌پژوه مصری، *المنظومات العددیه فی القرآن* اثر عبدالدائم الکحیل (متولد ۱۹۶۶)، پژوهشگر قرآنی اهل سوریه، *اعجازات حدیثه علمیه و رقمیه فی القرآن* نوشته رفیق ابوالسعود، *اعجاز عددی زوج و فرد در قرآن کریم* اثر کورش جم‌نشان. در مقابل آثاری در نقد این نگرش به قرآن منتشر شد، از جمله حسین ناجی در «تسعة عشر ملکا» اهتمام به عدد ۱۹ را به اندیشه‌های بهایان ربط داد. عباس یزدانی نیز در مقاله «اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن» ضمن پاره‌ای نمونه‌ها کلیت ادعاهای اعجاز عددی را نقض کرد و سپس مخالفان اعجاز عددی غالباً ایرادات او را منتشر کردند و در سوی مقابل هم تلاش‌های دفاعی ساکت نماند. شماری از محققان معاصر به تقارن‌های هندسی آیات توجه کردند؛ ژاک برک (۱۹۱۰-۱۹۹۵) قرآن‌پژوه فرانسوی، با طرح ایده نظم متقارن در ساختار متن قرآن، مستنصر میر (متولد ۱۹۴۹)، قرآن‌پژوه نواندیش معاصر اهل پاکستان، در کتاب *ادبیات قرآن* با سخن از پیوستگی سوره‌ها، نیل رابینسون (متولد ۱۹۴۸)، استاد مطالعات اسلامی در انگلیس و آمریکا ضمن کتاب *کشف قرآن: رویکردی معاصر به متن مستور*، با معرفی ایده نظم معکوس و میشل کوپرس، دانشمند مسیحی اهل بلژیک در اثر خود به نام *ولیمه، تجزیه و تحلیل سوره مائده با استفاده از نظریه بلاغت سامی*، با طرح اندیشه بلاغت سلامی، همگی از وجود نظم نوینی در قرآن پرده برداشتند.

نظم‌آهنگ عروضی قرآن، جلوه‌های موسیقایی آیات و جلوه‌های تناسب و تقارن در خوشنویسی و نگارش قرآن در آثار متعددی از جمله مقاله «نظم موسیقایی قرآن» نوشته محمدجواد حیدری و مقاله «زیبایی‌شناسی تقارن بازتابی در کتابت قرآن کریم؛ با تأکید بر قرآن ۱۵۲۹ آستان قدس رضوی» عرضه شد.

۵. محمدعلی مهدوی‌راد، *سیر نگارش‌های علوم قرآنی* (تهران: انتشارات هستی نما، ۱۳۸۴).

اما هیچکدام از آثاری که تا کنون در قسمی از این تناسب و توازن‌ها کاوش کرده‌اند غایت این پژوهش حاضر را در آشکارسازی قابلیت پیوسته متن برای تجلیات مسحورکننده و معنابخش روح الهی، نداشته‌اند و از این حیث اثر حاضر سابقه‌ای ندارد.

دشواری عمده این تحقیق به صعوبت بیان یافته‌هایی برمی‌گردد که آزمودنی است نه استدلال‌کردنی و در خلال چند دهه تمرکز و تأمل نگارنده بر حفظ، ترتیل، قرائات، کتابت، ترجمه و تفسیر قرآن و علوم قرآنی و نظر و بررسی بی‌طرف در تحقیقات قرآنی غریبان و عموم غیرمسلمانان، به آرامی و لطافت در روح و روان وی نشست است.

جستار حاضر، به منظور شهادآوری بر فرضیه مورد نظر خود، ابتدا به بررسی تجلیات موزون و متناسب آیات الهی در محورهای تقارن‌های هندسی، اوزان و تناسبات عروضی، تقارن و توازن در کتابت قرآن که نوپژوهیده‌تر هستند، می‌پردازد و در نهایت جلوه‌های شگفت عددی در آیات قرآن را تحلیل و بررسی کرده نتایج آن را اعلام می‌دارد.

## ۲- جلوه‌های نظم و تقارن‌های هندسی در قرآن

پیش از کشف و آشکارسازی ساختارهای اندام‌وار سوره‌های قرآنی هم دیدگاه‌های کل‌نگری به سوره‌ها شکل گرفته بود. اشکالات مطرح‌شده از سوی قرآن‌پژوهان غربی در مورد عدم انسجام سوره‌ها و نیز آشکار شدن ضعف تفاسیر کلاسیک در پرداختن به مفردات و عبارات قرآن به‌صورت جداگانه، در سده بیستم تحولی را در تفاسیر رقم زد که برای ارائه تفسیری منسجم و پیوسته از یک سوره تلاش می‌کند. مفسرانی چون علامه طباطبایی، سید قطب، اشرف علی تهانوی، محمد عزه دروزه، حمیدالدین فراهی، امین حسن اصلاحی و عبدالعلی بازرگان هر کدام به‌نوعی کوشیدند پیوستگی و یک‌دستی سوره‌ها را کشف کنند؛ مثلاً برای سوره یک مضمون اصلی - یا عمود - بیابند.<sup>۶</sup> مستنصر میر قرآن‌پژوه نواندیش معاصر ضمن یادکرد پیشینه، تلاش‌هایی که برای پیوستگی قرآن شده از خطی و ذره‌نگر بودن تفاسیر موجود سخن گفت و اینکه روش خطی به‌رحال نمی‌تواند تصویری اندام‌وار از سوره‌ها ارائه کند.<sup>۷</sup>

نگارنده در دی‌ماه ۱۴۰۰ در مقبره آقا نور شهر اراک به سنگ قبرهایی قدیمی برخورد که به دلیل تبدیل شدن گورستان قدیمی به پارک، از جای خود برداشته شده، اما آتیه‌گون در قاب‌هایی محفوظ و به نمایش گذاشته شده‌اند. حکاکی و نوشته‌های این سنگ‌ها مختصاتی

۶. محمدکاظم شاکر، رویکردی نو به اعجاز قرآن کریم (تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۹)، ۱۶۲.

۷. مستنصر میر، ادبیات قرآن، ترجمه محمدحسن محمدی مظفر (قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷)، ۱۴-۱۵.

گشودگی مستمر متن قرآن برای «تجلی‌های شگفت متناسب و موزون» / اخوان صراف ۱۰۱

جالب دارند از جمله اینکه ابیات شعری به شکل آشیانه‌ای، اما دوار بر روی آنها حک شده، یعنی داخلی‌ترین حلقه مشتمل بر بیت شعری است و ابیات بعدی را می‌توان یکی پس از دیگری در حلقه‌های بیرونی‌تر دنبال کرد. از آن تکنیک که در نوع حجاری‌های قدیمی وجود دارد، می‌شود تصور خوبی برای درک نظم متقارن و حلقوی که مثلاً، در بلاغت سامی مطرح است، به دست آورد.<sup>۸</sup>



۸. در این سنگ قبر حول مرکز مشخصات متوفی ابتدا یک دوبیتی حجاری شده که منسوب است امیرالمؤمنین (ع) بر کفن سلمان نوشتند:

وفدت علی‌الکریم بغیر زاد	من الحسنات و القلب السلیم
فحمل السّاد أقبح کلّ شیء	إذا کان الوفود علی‌الکریم
سپس ابیات این شعر عبرت‌آموز با تقارن آینه‌ای حول این مرکز حلقه زده است:	
فلک ریزد به کام خلق زهر مرگ در صهبا	نماند هیچ کس باقی به غیر از ذات بی همتا
تعالی‌الله زین قدرت بنازم این بزرگی را	که فانی می‌کند جن و انس و جمله اشیاء
جوانان رشید و نوعروسان چمن هر یک	همه خفتند زیر خاک یک‌یک یکه و تنها

در خوانش‌های آیات که مبتنی بر ایده نظم معکوس است نیز، نظایر آیات و قطعات قرآنی در کنار آنها قرار ندارند، بلکه باید حول یک کانون چرخید و با یافتن تناظرها نظم موجود را کشف کرد. نظم‌ی که افزون بر اینکه از رازآلودگی متن حکایت دارد، می‌تواند در کشف معنای آن بسیار دیده‌گشا باشد. از این رو، با خواندن خطی متن نظم موجود در آن کشف‌شدنی نیست و ابتدا باید از منظری وسیع‌تر مجموعه آیات یا قطعات را نگریست. همان‌طور که در مطالعه یک رسم هندسی یا ماندالا<sup>۹</sup> گون، تنها نگریستن از منظری دور است که مشخص می‌کند هر جزء چطور در آفرینش نظم کلی دخیل است و کشف آن نظم کلی است که وضعیت هر جزء را هم معنادار می‌کند. نگاهی مبسوط‌تر به بعضی نمونه‌ها، این ایده را واضح‌تر خواهد کرد.

## ۲-۱- مستنصر میر و طرح نظم معکوس آیات

مستنصر میر با طرح نظم معکوس که به آرایه‌های ترتیبی مطرح در علوم بلاغی - مثلاً، در لف و نشر - شبیه است، کوشید مثلاً، در سوره یوسف این نظم را نشان دهد. او ضمن تحلیل این سوره در سه بخش اصلی و زیربخش‌های آنها، تناظرهای ساختاری میان اوایل و اواخر سوره و بخش‌های آن را چنین آشکار می‌کند:

یوسف در کنعان به چاه و در مصر به زندان افکنده می‌شود هر دو مورد نیز به خاطر گناهی که مرتکب نشده است؛ حادثه نخست حاصل نفرت برادران به او و دومی حاصل عشق همسر فوطیفار به وی است. با خروج از چاه به بردگی گرفته می‌شود و با خروج از زندان به حکومت می‌رسد.

برادران، نخست یوسف را با خود می‌برند و بدون او به خانه برمی‌گردند. سپس برادر تسی یوسف بنیامین را می‌برند و بدون او به خانه بازمی‌گردند. آنان یوسف را به دلخواه خود و با سوء نیت می‌برند، ولی ظاهراً همراه بردن بنیامین با حسن نیت است.

برادران، دو بار برای گفت‌وگوی محرمانه دور هم جمع می‌شوند؛ یک مرتبه در کنعان و یک مرتبه در مصر. مرتبه نخست برای خلاص شدن از شر یوسف و مرتبه دوم برای نجات جان خودشان.

بانوان مصری با ناکام شدن از جلب توجه یوسف با دستپاچگی در صدد توجیه ناکامی‌شان

۹. ماندالا به معنی دایره در سانسکریت، به جدول‌های هندسی ترکیبی از هنر و ریاضی که معمولاً بر پایه دایره به صورت متقارن ترسیم می‌شوند گفته می‌شود. ماندالا می‌تواند از اشکال هندسی یا ارگانیک یا تصاویر قابل تشخیصی که برای طراح آن معنی دارد، تشکیل شود. در ادیان بودا و هندو این دایره‌های نمادین نشان‌دهنده ارتباط بین جهان درونی و دنیای بیرونی بوده برای تمرکز بر خویشتن و جست‌وجو در درون انسان کاربرد دارند.

برمی‌آیند و می‌گویند با یک فرشته سروکار دارند. درباریان پادشاه ناتوان از تعبیر خواب او می‌کوشند بر ناتوانی خود سرپوش بگذارند و می‌گویند این خواب بی‌معناست. بانوان مصری پس از تلاششان با ناکامی مواجه شدند و درباریان پیش از هر تلاشی ناکام شدند.

در این قصه، دو تلاش برای جلب محبت وجود دارد. برادران سعی می‌کنند عواطف پدرشان را به خود جلب کنند. همسر فوطیفار می‌کوشد دل یوسف را به دست آورد. هر دو برای رسیدن به اهدافشان توطئه می‌کنند. مستنصر میر سپس محورهای تقارن سوره را عرضه و تحلیل می‌کند. این تلاش ابتدایی برای نشان دادن تشابه‌های بخش‌های مختلف سوره به صورت تقارن معکوس با محور تقارنی که محقق کشف کرده شگفت و شایان تأمل است.<sup>۱۰</sup>

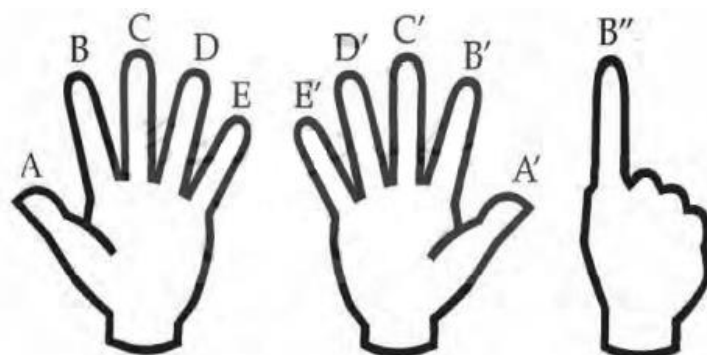
## ۲-۲- نیل رابینسون و تقارن آینه‌ای

پس از میر، نیل رابینسون، از منظر نظم معکوس به دنبال کشف و آشکارسازی انسجام سوره‌های بلند چون بقره، آل عمران مائده و مؤمنون برآمد.<sup>۱۱</sup> در این رویکرد، پیوستگی آیات و اجزای سوره خطی و متوالی نیست و یک آیه یا بسته آیه، در اوایل سوره به یک آیه یا بسته در اواخر آن و بسته بعدی به بسته قبل آن مرتبط است و برای سوره کانون تقارنی به دست می‌آید که بسته‌های نظیر حول یا طرفین آن به شکل حلقوی یا آینه‌ای واقع شده‌اند.

رابینسون با توجه به شواهد لفظی، در سوره مائده یازده بخش مجزا تشخیص می‌دهد. «واژگان قلاب‌دار» در طرح او مفاصلی هستند که اجزا را به هم می‌پیوندند. آنگاه مبتنی بر شاخص‌هایی چون تکرار، تقارن‌های متن را آشکار می‌سازد. وی به کمک قرائن لفظی و معنوی جزء ۱ را به ۱۰، جزء ۲ را به ۹ و ... جزء ۵ را به ۶ متناظر می‌کند. او بخش ۱۱ را به مشابه شروع مجددی می‌یابد که با انتقال دراماتیکی (نمایشی) صحنه نیز تطبیق می‌کند و شنوندگان را به روز رستاخیز می‌برد. بخش ۱۱ به نوعی بازخوانی مطالب بخش‌های ۲ و ۹ سوره است. از نظر او تکرار پنج نکته به ترتیبی معکوس احتمالاً از شمارش با انگشتان الهام می‌گیرد:

۱۰. شاکر، رویکردی نو به اعجاز قرآن کریم، ۱۶۹-۱۷۹.

۱۱. نیل رابینسون، «دستان باز: قرائتی دوباره از سوره مائده»، ترجمه محمدکاظم شاکر، و انسیه عسکری، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۹ (بهار ۱۳۹۱): ۱۵۶-۱۹۰.



وجود بخش یازدهم B'' که با بخش دوم و نهم (B و B') متناظر است نیز به طور اجمالی در آناتومی انسان ریشه دارد. چنانکه یک سخنران وقتی می‌خواهد بر نکته‌ای تأکید کند اغلب با انگشت اشاره دست راست اشاره می‌کند.<sup>۱۲</sup>

### ۲-۳- میشل کوپرس و تحلیل قرآن بر اساس بلاغت سامی

ایده تألیف متن مقدس بر اساس بلاغت سامی، از افق‌های گشوده در مطالعات قرآنی معاصر است که در مطالعات کتاب مقدس بیش از دو سده سابقه دارد. بلاغت سامی - که تنها شیوه تزئین متن - نیست، بر خلاف بلاغت یونانی که روش خطی و پیوسته در تنظیم متن را دنبال می‌کند، درگیر بازی‌های پیچیده تقارن می‌شود. تحقیقات معاصر ضمن ارائه نمونه‌هایی، این شیوه را برای انسجام ساختار متن قرآن نیز قابل‌اعمال می‌داند.<sup>۱۳</sup>

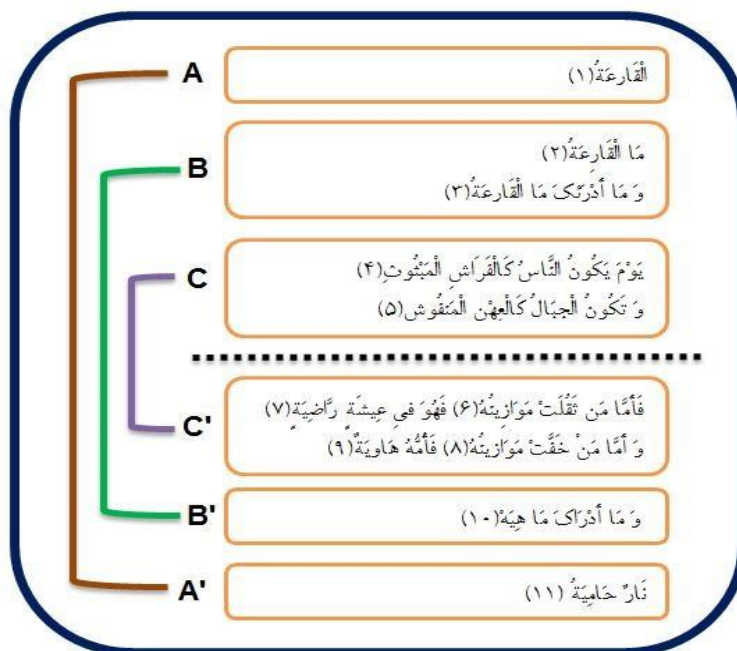
میشل کوپرس، دانشمند مسیحی اهل بلژیک، با الهام‌گیری از آنگلیکا نیورت در «بررسی ساختار سوره‌های مکی» و نیز آثار نیل رابینسون و متأثر از مطالعات مدرن کتاب مقدس، به نوعی نظم خاص و بدیع و جذاب در این کتاب‌ها دست یافت که از آن به بلاغت سامی تعبیر نمود و آن را ضمن اثر بدیع خود «ولیمه (تجزیه و تحلیل سوره مائده با استفاده از نظریه بلاغت سامی)» گزارش کرد. در تحقیقات او تحلیل بر اساس بلاغت سامی، متن را به سطوح خرد و کلان تقسیم و تقارن‌ها را در تمامی این سطوح - از یک جمله تا یک سوره -

۱۲. جهت آگاهی بیشتر مراجعه کنید به: شاکر، رویکردی نو به اعجاز قرآن کریم، ۲۲۳-۲۴۲.

۱۳. شاکر، رویکردی نو به اعجاز قرآن کریم؛ محمود مکوند، و محمدکاظم شاکر، «بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷۶ (پاییز ۱۳۹۴): ۴-۳۳؛ رابینسون، «دستان باز؛ قرآنی دوباره از سوره مائده»، ۱۵۶-۱۹۰؛ رولاند مینت، *طریقه التحلیل البلاغی والتفسیر*، ترجمه فاروقی (بیروت: دارالمشرق، ۲۰۰۴)، ۹-۹۱.

بررسی می‌کند. تقارن‌های تعریف‌شده برای اینگونه از بلاغت عبارت‌اند از: ۱. تألیف موازی که در آن واحدی از متن به همان ترتیب اول، تکرار می‌شود؛ (ABC/A'B'C') ۲. تألیف حلقوی که در آن یک نقطه تقارن (عنصر میانی) وجود دارد و تکرار، قرینه ترتیب اول است؛ (ABC/x/C'B'A') ۳. تألیف آینه‌ای وقتی است که تقارن باشد، ولی عنصر میانی نباشد؛ (ABC/C'B'A') رابطه بین عباراتی که با هم مقایسه می‌شوند می‌تواند این‌همانی، مترادف، تضاد، هم‌آوایی یا هم‌ریشگی باشد که این تحلیل، با تشخیص آن روابط، علاوه بر اثبات پیوستگی کلام به دنبال تعیین اشکال گوناگون تقارن است. سه گونه تقارن یا تألیف تعریف‌شده در این تحلیل، علاوه بر الفاظ، کشف ساختار متن و نیز فهم دقیق آن را به دنبال دارد؛ بنابراین غایت تحلیل بلاغی، تفسیر درست متن است و با فراهم آوردن سیاقی به بزرگی کل یک متن، راه تفسیر کلی‌نگر را فراهم می‌کند.

نمودار ذیل تقارن نهایی حاصل از تحلیل بر اساس بلاغت سامی را در سوره قرعه تصویر می‌کند. آیات ۲ و ۳ هر دو پرسشی هستند و تفاوت اندکی با هم دارند، آیات ۴ و ۵ گرامری مشابه و معنایی نزدیک دارند، آیات ۶-۷ و ۸-۹ ساختاری مشابه و معنایی متضاد دارند و در کل سوره، تقارن آینه‌ای محسوس است.



شماری دیگر از محققان مسلمان و غیرمسلمان نیز به نوعی از تقارن‌های حلقوی سخن گفته‌اند. از آن جمله می‌توان به پژوهشگر ایرانی علی‌محمد حق‌شناس اشاره کرد که به روستا ساخت گسسته و ژرف ساخت دایره‌ای سوره‌های قرآن توجه داده است.<sup>۱۴</sup>

پس توجهات مضاعف و کلان به کل سوره و کشف نظم صوری و معنایی آیات، حتی از انسجام سوره بسیار بلند و به ظاهر بسیار پراکنده که با خوانش خطی و جزئی‌نگر، ساختار اندام‌واره عرضه نمی‌کنند، پرده برمی‌دارد؛ بنابراین بدون آنکه کل سوره از منظری وسیع ملاحظه شود، درک زیبایی و تقارن و کشف معانی در پرتو آن درک، میسر نیست.

### جمع‌بندی

نگارنده به مجموعه‌ای از پرسش‌ها و چالش‌هایی که حول تقارن هندسی شکل می‌گیرد واقف است، اما به آنها نمی‌پردازد، چون در پیشبرد ایده این نوشتار نقشی ندارند. اینجا بدون آنکه منظور اولی از طرح دیدگاه‌هایی که نوعی تقارن هندسی شگفت‌انگیز در ساختار اندام‌واره قرآن کریم را کشف و گزارش کرده‌اند، اثبات وجه هندسی اعجاز قرآن یا تسری تحدی آن به این وجه باشد، قصد، توجه به این واقعیت است که این متن بارها این قابلیت را از خود نشان داده که حسب مجموعه مختصات شخص مطالعه‌کننده و نوع رابطه‌ای که با قرآن برقرار می‌کند، نظم هندسی شگفتی آشکار کند که غیر از نظم است که برای دیگری جلوه کرده است؛ از این رو آن نظم اعجازی باشد یا نباشد، این قابلیت تجلی دادن نظم‌های گوناگون، حتماً شگفت و اعجازگون است و قاعدتاً یک متن بشرساز چنین ظرفیتی ندارد و این طرائف نشان از فراگیری بودن قرآن کریم دارد، یعنی نمی‌خواهد بگوید ساختار قرآن جزماً بر اساس نظم معکوس یا بلاغت سامی تنیده شده است؛ بلکه می‌خواهد بگوید آیات قرآن قابلیت دارد که حسب زمان و مکان و مخاطب، نظم‌های مختلفی را بازتاب دهد تا آنجا که مخاطب خود را مواجه با متنی ببیند که حتی در سوره‌های بلند و به‌ظاهر پراکنده، در چشم‌اندازی فراخ بر نظم شگرف تنیده است. یافته‌ها و گزارش‌ها محققان مذکور، بخش کوچکی از شواهد این فرضیه است.

### ۳- جلوه‌های اوزان و تناسبات عروضی در قرآن

افزون بر طرائف تجلیات هندسی، تحلیل اوزان قطعات قرآنی جلوه‌هایی حیرت‌آور آشکار می‌کند. به این معنا که آشنایان به شعر، اوزان عروضی فارسی و عربی را در این قطعات به نحوی

۱۴. علی محمد حق‌شناس، مقالات/دبی زبان‌شناختی (تهران: نیلوفر، ۱۳۷۰)، ۱۷۷؛ بهاء‌الدین خرمشاهی، ذهن و زبان حافظ (تهران: نشر نو، ۱۳۶۱)، ۲۴.

جالب و تأمل‌برانگیز بازشناسی می‌کنند. این به معنای تئیدی قرآن بر اساس اوزان شعری نیست. همه می‌دانیم که قرآن با اهداف و تکلفات مطرح در شاعرانگی آن روزگاران فاصله دارد؛ بلکه منظور این است که آیات الهی قابلیت بازتاباندن تناسب‌های آهنگین شناخته‌شده برای مخاطبان مختلف را دارد به نحوی که شعرشناسان نیز اوزان شعری خود را به نحوی اعجاب‌آور در آن بازمی‌یابند و چه بسا توجه قریحه و سلیقه‌های دیگر را با تجلی دادن زیبایی‌های شناخته‌شده نزد آنها به خود جلب کند. از متون بشرساخته این جلوه‌گری تأثیرگذار و دلربایی هزارچهره بر نمی‌آید چه اینکه در متن دیگری چنین جلوه‌هایی ادعا نشده و اگر ادعا شد، عُقلاً آن را قابل بررسی و درخور عنایت می‌یابند. پژوهش‌های تفصیلی معاصر بر عبارات قرآنی موزونی که وزن آنها قابل تطبیق بر اوزان عروضی است، به‌صراحت حاکی از آن است که عبارات موزونی قرآنی که دارای اوزان عروضی فارسی یا عربی یا هر دو هستند بسیار فراوان و تنها در چهار جزء نخست و تنها با احتساب اوزان متفق‌الارکان ۱۲۰ عدد است. بدین ترتیب می‌توان تعداد عبارات موزون - اعم از متفق یا مختلف‌الارکان - در سراسر قرآن کریم را بالغ بر چند هزار فقره تخمین زد، پس مشکل بتوان وجود وزن در قرآن مجید را تصادفی و بدون قصد دانست. اگر همین امروز کسانی به تقلید از قرآن یا به صرافت طبع، نظم‌هایی با این مشخصات بسازند، باز هم ۱۵ قرن عجز از این کار، بهره مهمی از اعجاز دارد. نیز اینکه حسب پژوهش‌های معتبر، وزن ۵۵ درصد این عبارات بینابانی و وزن ۴۵ درصد آنها فرازبانی - یعنی مخصوص به زبانی غیر از عربی یا بی‌سابقه در عربی و فارسی - است، اشاره‌ای ارزشمند دارد. کشف شواهد متعددی که حاکی از ضرباهنگ فرازبانی قرآن کریم است، این فرضیه را قوت می‌بخشد که علاوه بر عربی و فارسی، احتمالاً اوزان مخصوص به سایر زبان‌ها نیز از متن قرآن قابل استخراج است. از آنجا که وزن در کلام، حکم ریتم در موسیقی را دارد و گفته‌اند که «موسیقی، زبان جهانی نوع بشر است»؛<sup>۱۵</sup> از این رو تتبع بیشتر در اوزان عبارات قرآن کریم می‌تواند جلوه‌های نوبی از فرازبانی، فرازمانی و جهان‌شمول بودن اعجاز توازنی نمایش دهد.

مشابه آنچه در قابلیت بازشناسی اوزان عروضی شعری در قرآن گفته آمد، درباره دستگاه‌های آواز و اوزان موسیقایی ادعاشده و حول این موضوع آثاری متعدد فراهم آمده از جمله نگارنده در جای دیگر به تفصیل به آن پرداخته است.<sup>۱۶</sup> تحلیل تلاوت‌های ماندگار

15. Henry Longfellow, «The Harvard Gazette,» accessed Jan 1, 2022,

<https://news.harvard.edu/gazette/story/2019/11/new-harvard-study-establishes-music-is-universal/>.

۱۶. زهرا اخوان صراف، «بازنگری در فوران آوایی و جاذبه‌های شنیداری قرآن به‌منابه معجزه»، دوفصلنامه دین و دنیای معاصر، شماره ۱ (شهریور ۱۴۰۱): ۱۱۷-۱۳۴.

تأثیرگذار در عالم واقع، شاهد خوبی برای آشکارسازی این امر است.

#### ۴- جلوه‌های تقارن و توازن در کتابت قرآن

از نظر مسلمانان این متن گفتاری یا قرائت قرآن است که اصیل است چون قرآن پیامی نوشتاری نبوده، نظر مشهور بر توقیفی بودن یا اصیل بودن کتابت قرآن نیست. با این همه اینجا می‌خواهم پا را یک پله بالاتر بگذارم و به شگفتی‌های بازتاب‌شده در کتابت قرآن وارد شوم که نشان از جاری بودن روح الهی در همه بسترهایی دارد که محمل این روح واقع می‌شود.

#### ۴-۱- جلوه‌های نظم و تقارن در بستر خوشنویسی قرآن

از دیرباز کاتبان که در خوشنویسی قرآن جهد تمام کرده‌اند علاوه بر زیبایی‌نویسی، در نوشتن منظم و قاعده‌مند آیات قرآن در هر صفحه کوشیده‌اند و حاصل آن، مصحف‌هایی هنرمندانه است که در آنها تقارن‌های بازتابی به زیبایی متجلی شده است. مصحف ۱۱ سطر نما نمونه‌ای تقارن‌نما از خوشنویسی قرآن است که نگارش آن، طوری مدیریت شده است که هر صفحه حاوی ۱۱ باشد، ابتدای سطرها در آن - از یک حرف تا یک کلمه یا عبارت، از ابتدای صفحه تا نیمه، یعنی از سطر ۱ تا سطر ۵، در ابتدای سطر نیمه پایینی، یعنی از سطر هفت تا سطر ۱۱ به ترتیب معکوس با همان حرف یا عبارت بازتاب شده است. تصویر زیر نمونه‌ای از این مصاحف است: (تقارن ابتدای خطوط صفحه سمت راست بدین ترتیب است: ا، ا، الناس، ا، فی، کانوا، فی، ا، الناس، ا، ا)

تناسب و توازن در مجموعه قرآن‌های یازده خطی - مصحف ۱۵۲۹ آستان قدس رضوی و شش نسخه دیگر مورد مطالعه پژوهشگران - فراتر از این گزارش مختصر است<sup>۱۷</sup> و نشان می‌دهد اغلب کاتبان بدون الگوگیری از سایرین دست به این کار زده‌اند و تکیه اغلب آنها به کلمات و حروفی خاص، نشانگر این است که آنان به اقتضای ذوق و هنر و توانایی خود، به نظم هندسی موجود در متن قرآن مجید رهنمون شده‌اند،<sup>۱۸</sup> این نظم هندسی متقارن افزون بر بهره‌های زیباشناختی و تأثیر در خواننده، انسجام متن را آشکار کرده، ارتباط با آن و دریافت معنا را آسان می‌کند.

۱۷. ناهید جعفری دهکردی، و خشایار قاضی‌زاده، «زیبایی‌شناسی تقارن بازتابی در کتابت قرآن کریم؛ با تأکید بر قرآن ۱۵۲۹ آستان قدس رضوی»، *مطالعات قرآنی و فرهنگی/ اسلامی* ۲، شماره ۱ (۱۳۹۷): ۱۹-۴۲.

۱۸. نگارنده ضمن مصاحبه از برخی کاتبان غیر ایرانی و غیر عرب، دیده و شنیده است که قرآن‌نگار اظهار می‌کند فقط تصمیم به کتابت قرآن داشته است، اما در رؤیا به حضور نبی اکرم (ص) مشرف شده و از ایشان استمداد کرده و سپس این بهره - یعنی توان کتابت بر اساس نظم ۱۱ سطر - به او افاضه شده است.



اینکه متن قابلیت داشته باشد حین کتابت ظرف این تجلیات موزون و متقارن واقع شود، نشان از علو مصدر آن دارد و بسیار بعید است در دستاوردی بشری در گوشه‌های مختلف تاریخ و جغرافیا به‌طور جداگانه چنین تقارن‌های فوق‌العاده‌ای تجلی کند. عادتاً نوع افراد و ملت‌ها در عرضه و ارائه شاهکارهای خود مبالغه می‌کنند و چنانچه در نگارش اثری چنین نظم‌های حیرت‌آوری جلوه کرده بود، به گوش‌ها رسیده و همه‌جوره در بوق‌وکرنا شده بود.

#### ۲-۴- جلوه‌های تکرار و تقارن در متن مکتوب قرآن

دامنه نظم و تقارن در مکتوب قرآنی از آنچه حین خوشنویسی متجلی می‌شود فراتر است. کسانی که به دلیلی مدتی بر متن قرآن متمرکز بوده‌اند، گاه به‌طور ناگهانی از تقارنی آگاه شده‌اند که پیش‌تر کسی از آن سخن نگفته است؛ مثلاً، اینکه گاهی موضوعات یکسان در نقاط یکسانی از صفحات زوج یا فرد قرآن آمده‌اند. نگارنده این مطلب را از جمله از یکی از دوستان قرآن‌پژوه غیر ایرانی شنیده و خوانده است که ضمن کار برای رساله دکتری خود بر مصحف «الشمرلی» متمرکز بوده و موضوعات فراوانی یافته است که در این مصحف در موضع یکسانی از صفحه، تکرار شده‌اند از جمله: سطر پنجم از صفحات ۲۷۷ و ۲۸۵-فرد- در

موضوع خلقت انسان، خط اول از صفحات ۲۴۸ و ۴۵۸ -زوج- در موضوع تشابه زندگی دنیا با کشاورزی، خط ششم از صفحات ۳۷۴ و ۴۷۸ -زوج- در موضوع رجم شیاطین با شهاب.<sup>۱۹</sup> تصویر زیر نمونه‌ای از این شگفتی را نشان می‌دهد:



این قسم تناسب و تشابه که با مدیریت کاتب به دست آمدنی نیست، حکایت از آن دارد که شعوری مرموز کلمات و مطالب را بر بستر نظم‌هایی طرفه و پنهان در جای خود نشانده است و مصدر همان شعور، خواننده را به سمت آن نظم می‌کشاند و به کشف گوشه‌هایی از آن رهنمون می‌شود.

۱۹. نافذ الشاعر، أثر برنامج لتنمية مهارات ما وراء المعرفة واستراتيجيات التفكير وعلاقتها ببعض متغيرات الشخصية لدى عينة من حفظة القرآن الكريم (القاهرة: جامعة القاهرة، ۲۰۱۰).

## ۵- جلوه‌های شگفت عددی قرآن

اعجاز‌پژوهی عددی قرآن حول محورهایی از قبیل کشف رازهای اعداد خاص مثل ۱۹ و ۷، تکرارهای کلمات همانند یا متضاد، عجایب مربوط به حروف مقطعه، عجایب زوج و فرد در قرآن کریم، تکرار متناسب واژه‌ها با واقعیات آنها صورت گرفته است.<sup>۲۰</sup> اینجا ابتدا بر محورهای اصلی که در آنها ادعای اعجاز عددی شده است مرور شده و آنگاه اشکالات عمده منتقدان اعجاز عددی قرآن تحلیل و بررسی می‌شود.

### ۵-۱- جلوه‌های شگفت عددی در آیات الهی

گزارش ذیل عصاره مدعیات اعجاز عددی است که از مطالعه ده‌ها اثر مفصل و مختصر در این باب به دست آمده و این گزارش بدون آنکه مؤید تمامی این مدعیات باشد، پس از راستی‌آزمایی بخش قابل توجهی از آنها، فراهم شده و پس تا حد قابل قبولی آزموده و به گمان نگارنده از نصاب اعتبار برخوردار است.

پاره‌ای از اعداد خاص در قرآن کریم ظهور و حضوری حیرت‌آور دارند. نسبت میان الفاظ آیات الهی با این اعداد و مضارب آنها، شایان توجه جدی است. از جمله:

اعجاز‌پژوهان با توجه به آیه ۳۰ سوره مدثر، با تمرکز بر عدد ۱۹ و پیگیری مضارب آن، طرفه‌هایی در این باب عرضه کرده‌اند. از جمله اینکه:

تعداد سوره‌های قرآن و تعداد تکرار الفاظ «بسم الله الرحمن الرحیم» در قرآن مضرب ۱۹ است.

فراوانی حروف مقطعه در سوره‌های شامل آنها مضرب ۱۹ است.<sup>۲۱</sup>

همچنین از تمرکز بر عدد ۷ و مضارب آن و شمارش حروف اسم جلاله «الله» در الفاظ، اعدادی بخش‌پذیر بر ۷ استخراج شده است و اعجاز‌پژوهانی چون عبدالدائم الحکیم طرائفی بسیار در این باب عرضه کرده‌اند.<sup>۲۲</sup>

هم‌پسامدی الفاظ مترابط همانند یا متضاد- وجهی دیگر از فوق‌العادگی قرآن است که توجه پژوهشگران را سخت به خود معطوف داشته است از جمله عبدالرزاق نوفل کوشیده

۲۰. سید مرتضی علوی، قرآن و ریاضیات (قم: نشر پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۶)، ۷۳-۱۸۶.

۲۱. رشاد خلیفه، معجزة القرآن الکریم (بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۳)، ۸-۲۱.

۲۲. عبدالدائم الکحیل، الإعجاز العددی و الرقم ۷، دسترسی در ۱۵ دی ۱۴۰۰.

است به نظام ریاضی تکرار واژه‌ها در قرآن دست یابد. او تکرار ۱۱۵ بار «دنیا» و «آخرت»، تکرار ۶۸ بار «شیاطین» و «ملائکه»، تکرار ۱۴۵ بار «حیات» و مشتقاتش و «موت» را شگفت و این تساوی‌ها را نشان اعجاز قرآن می‌داند.<sup>۲۳</sup>

ادعا می‌شود که فراوانی نسبی حروف مقطعه در سوره‌های شامل آنها، بیش از فراوانی نسبی آن حروف در دیگر سوره‌ها است. برای مثال، نسبت حرف قاف در سوره «ق»، تعداد حرف صاد در سوره «ص» و نیز شمار حرف نون در سوره قلم، از نسبت آن حروف در سوره‌های دیگر بیشتر است.<sup>۲۴</sup>

احتمال وجود نظامی عددی بر مبنای زوج و فرد در قرآن را جلوه دیگری از عجایب عددی قرآن شمرده‌اند. این ایده با توجه به آیه «وَ الْشَّفَعِ وَالْوَثْرِ» ترتیب قرار گرفتن سوره‌ها و تعداد آیات هر سوره را مبتنی بر نظام مخصوص و حساب شده‌ای می‌داند؛ یعنی اگر اعداد حاصل جمع شماره سوره‌ها و تعداد آیات سوره‌ها را در یک ستون بنویسیم، سپس زوج‌ها را با هم و فردها را با هم جمع کنیم، جمع اعداد زوج مساوی با جمع تعداد آیات قرآن -۶۲۳۶- و جمع اعداد فرد برابر ۶۵۵۵- مجموع شماره سوره‌ها- خواهد بود.<sup>۲۵</sup>

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد ترتیب نزول قرآن از منطقی ریاضی تبعیت می‌کند، هر سوره‌ای از قرآن دارای منحنی مشخص ویژه خود است، طول متوسط و طول غالب تمامی سوره‌ها، به موازات زمان نزول آنان ارتقا یافته و درصد طول غالب کاهش یافته است، تعداد کلمات وحی الهی، سالیانه ۳۶۷۰ کلمه ثابت بوده، طول مبنای هر سوره در عرض ۲۳ سال به‌طور منظم افزایش تدریجی داشته است.<sup>۲۶</sup>

## ۵-۲- تحلیل و بررسی دیدگاه‌های منتقدان اعجاز ریاضی

اشکالات منتقدان این شاخه از اعجاز در دو دسته کلی و مصداقی - یا کبروی و صغروی - قابل بررسی است.

### ۵-۲-۱- اشکالات کبروی

جان کلام در اشکالات کبروی اعجاز عددی قرآن، این است که:

۲۳. عبدالرزاق نوفل، الإعجاز العددي للقرآن الکریم، جلد ۱ (بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷)، ۱۰.

۲۴. سید علی اکبر قریشی، قاموس قرآن، جلد ۴ (تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱)، ۳۵۰.

۲۵. علوی، قرآن و ریاضیات، ۲۰.

۲۶. مهدی بازرگان، سیر تحول قرآن (تهران: شرکت سهامی انتشار، بی‌تا)، ۱۳۴.

اولاً، قرآن پیام الهی برای هدایت و ارشاد سلوک فردی و اجتماعی بشر است و اهداف کلان و جدی و فخیم دارد و نباید آن را به حد بازی و معمای ریاضی فروکاست.<sup>۲۷</sup>

ثانیاً، در هیچ‌یک از آیات قرآنی یا کلمات معصومان (علیهم‌السلام) اشاره‌ای به اعجاز عددی نشده است و اگر چنین ادعایی واقعیت داشت همانا بایستی خود کتاب و آن بزرگواران به آن تصریح یا دست‌کم اشاره‌ای داشتند.<sup>۲۸</sup>

هر این دو اشکال، جای تأمل جدی است.

مورد اول جای درنگ دارد، چون عجایب عددی قرآن تراحمی با تدبیر و تعمق در مضمون کلام ندارد و بنا نیست کسی آنها را جانشین تلاش‌های معناشناختی و تدبیر و تعقل در آیات کند. این دست شگفتی‌ها را بیشتر می‌توان اشاراتی دانست که در تاروپود پیام وحیانی دریافت می‌شود و کمینه اثر آن عشق‌سازی و اعتمادآوری است و در ساحت روح قرآن جریان دارد نه جسم آن. افزون بر آنکه پاره‌ای از این دست شگفتی‌ها مثل تقارن‌ها و توازن‌ها، در خود فرآیند معنایی تأثیر شگرف دارد و حتی عجایب عدد و رقمی می‌تواند اشاراتی به معنا باشد؛ مثلاً، اینکه «مصیبت» با «شکر» هم‌بسامد است نشان از بایستگی شکر در مصیبت و نقش عظیم سلوکی شکر در بلا و اثربخشی شکر صابرا نه در رفع بلا باشد.

مورد دوم درست نیست، چون اولاً کتاب و سنت نه تنها به کنایه و اشاره، بلکه به صراحت اشاره بر تمام‌نشده‌بودن عجایب قرآن و شمارش‌ناپذیربودن غرایب آن دارد. کشف ربط و تناسب‌های شگفت‌آفرین در قرآن کریم از هر نوعی که باشد مصداقی از فعل شگفت و کلمه خداوند است که به تصریح قرآن تمام‌نشده‌بودن است.<sup>۲۹</sup> به‌علاوه روایات بارها با عبارتی چون «لَا تَفْنَىٰ عَجَائِبُهُ وَلَا تَقْضَىٰ غَرَائِبُهُ»؛<sup>۳۰</sup> «لَا تُحْصَىٰ عَجَائِبُهُ وَلَا تُبْلَىٰ غَرَائِبُهُ»<sup>۳۱</sup> بر پایان‌ناپذیری و بی‌شماری غرایب آن تصریح دارند. نقل است که حضرت صادق (علیه‌السلام) در پاسخ این پرسش که چرا تکرار قرآن مثل تکرار شعر و خطبه‌های بشری ملال‌انگیز نیست، از پیوستگی حجبت قرآن و بکر بودن و نوشوندگی معانی آن در جان و روان خواننده سخن گفتند: «لأن القرآن حجة على أهل الدهر الثاني، كما هو حجة على أهل الدهر الأول، فكل طائفة

۲۷. عباس یزدانی، «اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن»، کیهان/نمایشه، شماره ۶۷ (شهریور ۱۳۷۵): ۶۳.

۲۸. یزدانی، «اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن»، ۶۳.

۲۹. الکهف، آیه ۱۰۹.

۳۰. محمدبن حسین سیدرضی، نهج‌البلاغه، تحقیق: صبحی صالح (قم: هجرت، ۱۴۱۴)، ۶۱.

۳۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، جلد ۲ (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷)، ۵۹۹.

تتلقاه غضا جدیدا و لأن كل امرئ في نفسه متى أعاده و فكر فيه تلقى منه في كل مرة علوما غضة)).<sup>۳۲</sup>

در واقع اشکال فوق از این ذهنیت برمی خیزد که باید تمام وجوه اعجاز قرآن در عصر سنت کشف و بیان شده و به عبارت دیگر قرآن به کلی رازدایی شده باشد درحالی که اقتضائات متنی که می خواهد فراگیر و جاودانه باشد و نیز تصریح نصوص فوق آشکارا دلیل بر این است که در بستر زمان همواره وجوهی جدیدتر از فوق العادگی قرآن آشکار خواهد شد یا به تعبیر دقیق تر در ظرف این متن تجلیات جدید رخ خواهد. اگر عجایب این کتاب در حدی بود که در عصر نزول یا حضور امامان به کلی بیان می شد، آیندگان با متنی راززوده مواجه بودند و بهره آنها از شگفتی فقط شنیدن نقل ها بود نه درک و تذوق خوبی ها و زیبایی ها. به علاوه خالقان شاهکارهای فکری و ادبی و هنری عادتاً خود در فوق العادگی اثر خود داد سخن نمی دهند. پس نباید توقع داشت که قرآن یا قیّمان آن - معصومان - اعلام کنند که این کتاب بسیار زیبا، شگفت یا حیرت آور است و بر این ادعا دلیل اقامه کنند، چراکه مشک آن است که خود بیوید، نه آنکه عطار بگوید.

ریشه یابی نوع نقدهایی که متوجه اعجاز ریاضی قرآن است نشان می دهد وجه عمده مخالفت باورمندان با این جهت اعجازی، خوف از توهین به ساحت قرآن است که نکند ادعایی بشود که مسلمانان از عهده اثبات آن برنیاوند یا نقض بر آن وارد باشد که گاه خود ریشه در افراط های تکلف آمیخته در جفت و جور کردن اعداد و ارقام توسط مدعیان اعجاز ریاضی دارد. همین است که می بینیم حتی بسیاری از مدافعان سنتی قرآن نیز از پذیرش اعجاز عددی تن زده و از آنجا که نمی توانند اصل این تناسبات اعجاب آور را منکر شوند، آن را به حد شگفتی هایی جزئی فرو می کاهند.<sup>۳۳</sup>

این در حالی است که اگر اعجاز عددی با دست برداشتن از افراط در شاهدافزایی و نیز تعمیم، اینطور بازتقریر شود که جلوه گری پاره ای از اعداد در قرآن و کریم - مثل ۷ و ۱۹ - و نیز نسبت بسامد واژگان قرآنی مرتبط - مثل برابری تکرار واژه های «موت» و «حیات» - و تناسب

۳۲. عبدالحق ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، جلد ۱ (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲)، ۳۶؛ این حدیث با تفاوت هایی، در عیون اخبار الرضا هم آمده است: قَالَ سَمِعْتُ إِبْرَاهِيمَ بْنَ الْعَبَّاسِ يَحَدِّثُ عَنِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَ إِِنَّ رَجُلًا سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزْدَادُ عِنْدَ التَّشْرِ وَالْذَّرَاسَةِ إِلَّا عَضَاةً فَقَالَ لِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَنْزِلْهُ لِرِزْمَانٍ دُونَ رِزْمَانٍ وَ لَا لِتَأْسِ دُونَ تَأْسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ عَضٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، جلد ۲ (تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸)، ۸۷).

۳۳. محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۱)، ۲۳۲.

بسامد واژگان با واقعیات خارجی آنها - مثل تکرار ۱۲ باره واژه «شهر» به معنای ماه به تعداد ماه‌های سال - و امثال آن، چنان جلوه‌ای درخشان از این متن آشکار می‌کند که امکان ساخت و پرداخت متنی با خصائص مشابه - که فخامت معنا و سایر ویژگی‌های متن مقدس هدایت مقصد را هم حفظ کند - را حتی با همه امکانات امروزی، مستبعد، بلکه ناممکن می‌نماید. پس در این بُعد تحدی قرآن همچنان جاری است و توجه به شرایط عصر نزول پیام و مختصات پیام‌آور مثل امی بودن و تعلیم‌ندیدگی، اقرار به فرابشری بودن متنی با این تناسبات را به همراه دارد و در وجه از اعجاز قرآن بیش این مد نظر نیست.

### ۵-۲-۲- اشکالات صغری

۱- برخی اشکالات صغری به خلط میان نگارش و قرائت برمی‌گردد اینکه توجه نشود که شگفتی مد نظر در قرائت قرآن آشکار می‌شود - که اصیل است - نه در کتابت آن. از جمله آنکه چرا «ن» در آیه اول سوره قلم، «نون» نوشته شده و دو بار شمارش شده است.<sup>۳۴</sup> این در حالی است که نون بودن حرف «ن» در ابتدای سوره قلم، اصیل و بر اساس قرائت آن است و نه نگارش آن به شکل «ن»، چراکه شکی نیست تلقی و ابلاغ و حفظ قرآن توسط مسلمین همگی شفاهی بوده است و متن مکتوب، تنها مصدر مراجعه برای حفظ و تلاوت بوده است.

سوء برداشت و عدم توجه به تفاوت‌های واژگان؛ برای مثال در شمارش الفاظ بسمله در قرآن کریم گفته‌اند چرا کلمات «بالله» و «تالله» و «لله» و «فالله» هم در شمار آمده‌اند در حالی که «اللهم» رها شده است.<sup>۳۵</sup> این اشکال وارد نیست چراکه در آن شمارش، حرف جر با مجرور خود یکی شمرده می‌شود، اما «اللهم»، ترکیبی ندایی است و مجرور نیست تا به‌مثابه لفظ «الله» شمارش شود.

پیش‌فرض معنایی داشتن برای تعابیر قرآنی؛ به این بیان که تصور شود معنای واژگان به‌کاررفته در قرآن بتمامه از بیرون قرآن - مثلاً لغت‌نامه‌ها - دست‌یافتنی است، در حالی که حتی اگر حدود و بستر معنایی واژگان از بیرون قرآن به‌دست‌آید، بر اساس سیاق و قرائن است که می‌توان به مراد الهی نزدیک شد. مثلاً این اشکال که «پاره‌ای از واژگان قرآنی بدون آنکه ربط معنایی داشته باشند هم‌بسامد هستند و پس یکسان بودن بسامد پیامی ندارد» وارد نیست چون هم‌بسامدی الفاظ مربوط متعدد در قرآن کریم و نیز طبیعت تساوی، می‌تواند هم‌بسامدی‌های غیر واضح را هم واجد اهمیت نماید؛ مثلاً این هم‌بسامدی خود قرینه‌ای برای

۳۴. یزدانی، «اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن»، ۶۷.

۳۵. یزدانی، «اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن»، ۶۷.

فهم معنای دقیق باشد یا پرده از سنن الهی برگردد. مثلاً از یکسانی بسامد شکر و مصیبت بفهمیم که معنای مراد دقیق از این الفاظ چیست.

تراز قرار دادن قواعد نحوی یا تصور آن؛ بسیاری از نقض‌های اعجاز عددی به بازشماری واژگان با اصل قرار دادن قواعد ادبی برمی‌گردد. مثلاً اینکه چرا حروف عطف را با مابعد خود یک کلمه می‌شمارند.<sup>۳۶</sup> بر اساس این پیش‌فرض است که در نحو، حرف عطف کلمه‌ای مستقل محسوب است و شمارش الفاظ قرآن کریم هم باید سازگار با قواعد نحو عربی باشد. این حاکم قرار دادن قواعد نحوی بشرساز متأخر از قرآن بر آن اولاً، مورد اتفاق همگان نیست، ثانیاً، استثنابردار هم هست و ثالثاً، در اصل هم تدوین قواعد متأخر از قرآن کریم است.

## ۶- نتایج و پیشنهادها

در دو سده اخیر قرآن‌پژوهان برای انسجام متن قرآن و نیز کمک به فهم بهتر آن کوشیدند به این متن رویکردی کلان‌نگر داشته باشند، اما خوانش خطی متن بر اساس بلاغت یونانی، به‌رحال جزئی‌نگر بوده و از تصویر اندام‌واره ساختار سوره قاصر است.

توجه کلان به متن سوره‌ها، از تقارن‌هایی در لایه پنهان متن پرده برمی‌دارد که متن بر بستر آنها تنیده شده است. در این راستا محققان معاصر به کشف نظم معکوس، تقارن آینه‌ای و حلقوی و بلاغت سامی دست یافتند که با نگرستن از منظری فراخ‌تر آیات را حول کانونی متقارن می‌یابد و بدین‌سان معلوم می‌شود لنگه و متناظر هر آیه - یا بسته آیات - که نظم آن را آشکار و معنای آن را تمام می‌کند، ممکن است در نزدیکی خودش نباشد و تنها با گسترش چشم‌انداز، خود را آشکار می‌کند.

قرآن کریم متنی عادی نبوده، در طول تاریخ برای مخاطبان جلوه‌های گوناگونی از نظم و تقارن آشکار کرده است. از آن جمله اوزان عروضی شعر فارسی و عربی و دستگاه‌های آواز و موسیقی است. این تجلیات به دلایلی که در این نوشتار گذشت، بهره قابل توجهی از اعجاز دارد.

حتی متن نوشتاری قرآن - که باورمندان مدعی اصالت و توقیفی بودن آن نیستند - ظرف تجلی عجایب و طرائف بوده و شگفتی‌های پربار آشکار کرده است. نمونه آن در قرآن ۱۱ سطری یا تشابه موضع موضوعات متشابه، تجربه شده است.

عجایب و طرائف ارقام و آمار، یعنی شگفتی‌های عددی و ریاضی قرآن، انکارناپذیر است

۳۶. یزدانی، «اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن»، ۶۷.

و به ضمیمه تأملات عقلانی، راه به اعجاز قرآن می‌برد و تا به امروز هم قابل تحدی است. اشکالات وارد بر مدعیات اعجاز یا به افراط و تکلف‌ها در عددسازی و شاهدافزایی برمی‌گردد که وارد است و بایست ساحت اعجاز عددی را از آن پیراست، یا ناشی از اشتباهات و ضعف توجهات در موارد نقض و خوب نفهمیدن مدعا است یا پیش‌فرض‌ها و مبانی نادرست دارد که در این پژوهش تحلیل و رد شد یا از خوف و همن به ساحت قرآن با اقرار به اصل شگفتی، از پذیرفتن اعجاز و تحدی تن می‌زند که با بازتقریر اعجاز عددی حل و فصل شد.

چه بسا ریاضیدان مسلمان امروزی هم اگر با این قصد قرآن را بخواند، متن برای او ظهوری شگفت در تئوری‌های پیچیده زمان ما داشته باشد. پس به جای اینکه اعجاز عددی قرآن را انکار کنیم، بگوییم اگر دانش ریاضی روز را داشتیم و به قرآن و اعجاز آن باور داشتیم برای ما هم ظهور و بروزی اعجازی می‌داشت. این توجه بر بایستگی اعجاز پژوهی تخصصی انگشت می‌گذارد.

کشف و آشکار شدن این تناسب‌ها نمی‌تواند قیدی بر قرآن باشد و نظم کلی بر آن تحمیل کند، اما در هر مورد نظمی شگفت کشف شود، این آشکارگی بی‌گمان پیام‌دار است و کمترین اثر آن تأثیر عمیقی است که بر جان و روان مخاطب می‌گذارد. به جای استدلال بر این فوق‌العادگی، باید کوشید آن را چشید و لمس کرد، چراکه عجایب پایان‌ناپذیر قرآن بیش از آنکه برای اسکات و اقناع، عقول معاندان را نشانه بگیرد، برای جذب و تأثیر دل‌های مخاطبان را هدف دارد.

بر اساس این حقیقت که عجایب قرآن تمام‌نشده است و رازدایی دائمی از تمام جلوه‌های شگفت آیات از جمله توازن و تناسب‌ها در آیات نه‌شدنی است نه با غایات و مختصات پیام تناسب دارد، باید در دریافت و تثبیت لطیفه «لاتفنی عجائبه» و «لاتتقضی غرائب» کوشید که هم راهنمای طریق باورمندان در آویختگی به قرآن است و هم واقعیت فرابشری بودن پیامی را تأکید می‌کند که واجد چنین قابلیت است.

بازخوانی متن قرآن برای کشف اسرار و رموز ریاضی و موزون از مهم‌ترین ضرورت‌های مطالعات قرآنی است و بایست پژوهشگران برای ارتقای خود در این ساحت آستین همت برزنند و مترصد صیادی این تجلیات باشند. چون کسی که به نحوی - ولو صرف وقت گذراندن با قرآن - خود را به روی آن می‌گشاید است که در واقع جاذب جلوه‌ها است و آنها را شکار می‌کند و گرنه روح الهی جاری در متن قرآن، لازال و لاینقطع در تابش و تشعشع بوده و هست و جریان وحی و خطاب در بستر قرآن، وقفه‌پذیر نیست.

## سیاهه منابع

### الف- منابع فارسی:

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی. *عیون اخبار الرضا علیه السلام*. جلد ۲، تهران: جهان، ۱۳۷۸.  
اندلسی، عبدالحق ابن عطیه. *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. جلد ۱. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲.

بازرگان، مهدی. *سیر تحول قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار، [بی تا].

توفیقی، حسین. *آشنایی با ادیان بزرگ*. تهران: سمت، ۱۳۸۰.

جعفری دهکردی، ناهید، و خشایار قاضی زاده. «زیبایی شناسی تقارن بازتابی در کتابت قرآن کریم؛ با تأکید بر قرآن ۱۵۲۹ آستان قدس رضوی»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی* ۲، شماره ۱ (۱۳۹۷): ۱۹-۴۲.

حق شناس، علی محمد. *مقالات ادبی زبان شناختی*. تهران: نیلوفر، ۱۳۷۰.

حیدری، محمدجواد. «نظم موسیقایی قرآن»، *مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان*، ۱۳۸۷.

خرمشاهی، بهاء الدین. *ذهن و زبان حافظ*. تهران: نشر نو، ۱۳۶۱.

خلیفه، رشاد. *معجزة القرآن الکریم*. بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۳.

راینسون، نیل. «دستان باز؛ قرائتی دوباره از سوره مائده»، ترجمه محمدکاظم شاکر، و انسیه عسکری، *پژوهش های قرآنی* ۱۸، شماره ۶۹ (خرداد ۱۳۹۱): ۱۵۶-۱۹۰.

رضایی اصفهانی، محمدعلی. *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*. رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۱.

ژاک، برک. *بازخوانی قرآن: نگاهی نو به اعجاز نظم، زمان، زبان و حکمت در قرآن*. ترجمه محمودرضا افتخارزاده. تهران: روزگار، ۱۳۷۹.

سیدرضی، محمد بن حسین. *نهج البلاغه*. محقق: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴.

الشاعر، نافذ. *أثر برنامج لتنمية مهارات ما وراء المعرفة و استراتيجيات التفكير و علاقتها ببعض متغيرات الشخصية لدى عينة من حفظة القرآن الکریم*. القاهرة: جامعة القاهرة، ۲۰۱۰.

شاکر، محمدکاظم. *رویکردی نو به اعجاز قرآن کریم*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۹.

علوی، سید مرتضی. *قرآن و ریاضیات*. قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۶.

قرشی، سید علی اکبر. *قاموس قرآن*. جلد ۴. تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱.

الکحیل، عبدالدائم. «الاعجاز العددي و الرقم ۷» دسترسى در ۱۵ دی ۱۴۰۰.

<http://www.kaheel7.com/ar/index.php/157/1-----q>

کلینی، محمد بن یعقوب. *الکافی*. جلد ۲. تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷.

